

تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی شیعه بر توسعه نفوذ انقلاب اسلامی

محمدحسین افشردی^۱

حسین اکبری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۲۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۶/۱۶

فصلنامه آفاق امنیت / سال ششم / شماره بیستم - پاییز ۱۳۹۲

چکیده

وجود اکثریت جمعیتی شیعه در کشورهای ایران، عراق، بحرین و آذربایجان و اقلیت تأثیرگذار در کشورهای افغانستان، پاکستان و لبنان و حضور فرق شیعه در برخی کشورهای دیگر از جمله یمن، ترکیه، سوریه، کشورهای بالکان و شمال آفریقا سبب شده است عوامل ژئوپلیتیکی شیعه به عنوان مهم‌ترین عوامل توسعه و گسترش نفوذ اندیشه‌های انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گیرند.

بنابراین، سؤال مطرح این است که آیا عوامل ژئوپلیتیکی شیعه همچنان نقشی مؤثر در گسترش و تداوم نفوذ آموزه‌های انقلاب اسلامی در منطقه دارند؟ البته. تأثیر مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی شیعه بر توسعه و تداوم نفوذ آموزه‌های انقلاب اسلامی طی سال‌های پس از انقلاب اسلامی به یک نسبت و میزان نبوده است. عوامل مختلف دیگری که ذیل متغیرهای میانی مورد توجه قرار می‌گیرند و بسیار مهم و اساسی هستند،

در پاسخ به سؤال اصلی، این فرضیه مورد بررسی و آزمون قرار می‌گیرد که تأثیر مؤلفه‌های ژئوپلیتیک شیعه در ابعاد مختلف سبب شکل‌گیری جبهه مقاومت در رویارویی با قدرت‌های بزرگ می‌شود و همین عوامل همچنان بسترهای مناسب را برای توسعه نفوذ و تداوم آموزه‌های انقلاب اسلامی در منطقه پدید خواهد آورد. انقلاب اسلامی در بستر ژئوپلیتیک شیعه توانسته است به‌رغم چالش‌ها و فشارهای بین‌المللی، در حوزه‌های مختلف پیشرفت‌های فراوانی کند. آغاز موج بیداری اسلامی که درون خود شعارهای ضد استکباری و اسلام‌خواهی دارد، در روند طبیعی استقلال‌طلبی و آزادی‌خواهی مردم عملاً چالشی در حوزه منافع غرب و حرکتی در راستای ائتلاف با شعارهای اصولی انقلاب اسلامی است.

واژگان کلیدی

ژئوپلیتیک شیعه، انقلاب اسلامی، توسعه نفوذ، شیعه، قدرت

۱. دکتری جغرافیای سیاسی، دانشیار دانشگاه عالی دفاع ملی
۲. دکتری مطالعات بین‌الملل، پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین(ع)



ادبیات نظری تحقیق

۱. انقلاب اسلامی

بدون شک انقلاب اسلامی ایران یک تحول بزرگ سیاسی - اجتماعی بود که با جایگزین کردن نظام سیاسی نوین و انتقال قدرت سیاسی در جامعه ایران به وقوع پیوست. بر خلاف ویژگی‌های خاص انقلاب‌های بزرگ فرانسه و روسیه که بر مبنای جدایی از دین استوار بودند، انقلاب اسلامی بر مبنای مذهبی بودن، مردمی بودن و نفوذ معنوی رهبری با تکیه بر عقاید مذهبی افراد جامعه شکل گرفت و اسلام به عنوان باور قلبی مردم موجب پیروزی آن شد (درخشه، ۱۳۸۹: ۱۲۷). برنارد لوئیس در توصیف انقلاب اسلامی آن را انقلابی واقعی و دارای اصالت و در ردیف انقلاب‌های بزرگ تاریخ یعنی انقلاب فرانسه و انقلاب روسیه ذکر می‌کند. (Lewis, 1999) وی سپس با اذعان به اهمیت و نقش انقلاب ایران در جهان اسلام اعلام می‌کند که این انقلاب تأثیراتی شگرف و عمیق در جوامعی که با آنها منظومهٔ گفتمان مشترک داشت، برجای گذاشت و از این حیث جهان اسلام در کلیت خود از انقلاب ایران تأثیر پذیرفت. لوئیس، اسلامی کردن مسئله فلسطین را یکی از جلوه‌های پررنگ تأثیر انقلاب اسلامی در مناسبات و تحولات جهان اسلام می‌داند که نتیجه آن تولد حماس، جهاد اسلامی و انتفاضه است^۱ (لوئیس، ۱۹۹۹: ۱۸). ریچارد فالک با توجه به نظریات میشل فوکو و ادوارد سعید، بر این باور است که انقلاب اسلامی ایران نمونه خیزش محبوب مردمی از درون جهان اسلام به منظور مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی و با هدف استقرار نظامی مبتنی بر عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت و در تعارض آشکار با اصول جهان سرمایه‌داری بود (خانی، ۱۳۸۹: ۳۵۵). شهید مطهری نیز بر این موضوع تأکید می‌کند که آنچه امام خمینی [ره] را به عنوان اسوه رهبری قرار داد این بود که ندای امام از قلب فرهنگ و از اعماق تاریخ و از ژرفای روح این ملت برخاست (مطهری، ۱۳۶۸: ۷۵).

انقلاب اسلامی طی حیات ۳۶ ساله خود مبتنی بر ایدئولوژی شیعه توانست با ایجاد رابطه میان عقلانیت و معنویت، جمهوریت و اسلامیت، آزادی‌خواهی و عدالت‌جویی در حوزه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی با استفاده از آموزه‌های شیعی، راهبرد جدیدی از قدرت اسلام سیاسی را در قالب گفتمان شیعی به نمایش بگذارد. انقلاب اسلامی ایران در کشوری رخ داد که با توجه به نقشه ژئوپلیتیکی دنیای اسلام، در قلب ریملند و در قلب دنیای اسلام واقع شده است و این مسئله در کنار هویت و ماهیت انقلاب

۱. برنارد لوئیس، استا دانشگاه پرینستون امریکا، اظهارات فوق را در ۱۸ ژانویه ۱۹۹۹ در دانشگاه تل‌آویو ایراد کرد.



اسلامی، ایران را مستعد بازیگری در این منطقه کرده است. در واقع، دنیای شیعه در مرکز دنیای اسلام واقع شده و هارتلندی برای ریملند اسلامی محسوب می‌شود که این هارتلند از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار است. پدیده شیعه، علاوه بر اینکه از لحاظ جغرافیایی در مرکزیت دنیای اسلام است، از لحاظ راهبردی و ژئوپلیتیکی نیز از موقعیتی استثنایی برخوردار است؛ لذا بیراه نخواهد بود اگر این منطقه را ریملند شیعی بنامیم که در کنترل سیاست‌های شیعی است و به مثابه قلب تپنده‌ای برای جهان اسلام در نظر گرفته می‌شود. بروملی می‌گوید: منطقه‌ای که من آن را ریملند شیعی می‌نامم، بخش وسیعی از دنیای اسلام را دربرمی‌گیرد و از زمان دولت بوش دوم به این سو، در طرح‌های آمریکایی به عنوان «خاورمیانه بزرگ» از آن یاد می‌شود (Bromley, 2007: 75-97). عامل اصلی و موتور محرکه و قلب این منطقه، چه از نظر جغرافیایی چه از لحاظ مفهومی و ژئوپلیتیکی، مناطق تحت تسلط جمعیت‌های شیعی است. اگرچه در توصیف این مناطق، پیش از این نظریاتی چون «هلال شیعی» مطرح شده بود (Black, 2007) (هلال شیعی که عبدالله، پادشاه اردن، در سال ۲۰۰۴ مطرح کرد، شامل جمعیت‌های شیعی از مدیترانه تا عراق و ایران است)، اما در این مقاله ریملند شیعی مفهومی فراتر از این حوزه را دربرمی‌گیرد و شامل کشورهای آسیای میانه و قفقاز، افغانستان، پاکستان و بخشی از هند نیز می‌شود.

۲. توسعه و نفوذ

منظور از گسترش یا توسعه و تداوم نفوذ آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران در منطقه این است که مبارزه با استکبار، عدالت‌جویی و حمایت از مستضعفین که از مهم‌ترین شعارهای انقلاب اسلامی ایران است، به خوبی مورد توجه بسیاری از مردمان خاورمیانه قرار گرفت. توسعه، فرایندی چندبعدی است که معمولاً به تغییر از یک وضع کم‌مطلوب به وضع مطلوب اشاره می‌کند. از نفوذ نیز به عنوان اقدام غیر اجبارآمیز قدرت استفاده می‌شود؛ زیرا می‌توان نفوذ را مانند قدرت به عنوان یک توانایی یا به عنوان یک رابطه تعریف کرد. در نتیجه طرف مقابل به جای آنکه مجبور به تغییر تصمیم خود شود، متقاعد می‌شود و اقدام مد نظر را انجام می‌دهد (گراهام و نونام، ۱۳۸۱: ۳۷۹-۳۷۸).

۳. ژئوپلیتیک

تعاریف مختلفی از ژئوپلیتیک و عوامل ژئوپلیتیکی و مؤلفه‌های آن ارائه شده است. در مجموع، دانش ژئوپلیتیک با گذر از مراحل مختلف و با ظهور دیدگاه جدید ژئوپلیتیک انتقادی احیا شده است و به جای تمرکز بر شناخت تأثیر عوامل جغرافیایی، به شکل‌دهی سیاست خارجی نیز اهمیت می‌دهد (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۹).

به اعتقاد ارسطو، مردم و محیط آنها جدایی‌ناپذیرند و مردم همواره از شرایط جغرافیایی تأثیر می‌پذیرند (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۲: ۱۰۳). ژان بدن نیز بر این باور است که شرایط جغرافیایی بر روحیات ملی و سیاست خارجی کشورها تأثیر می‌گذارد (پلینو، التون، ۱۳۷۵: ۱۴۲-۱۳۸). میرحیدر در تعریف ژئوپلیتیک اذعان می‌دارد: ژئوپلیتیک یعنی شیوه‌های قرائت و نگارش سیاست بین‌الملل توسط صاحبان قدرت و اندیشه و تأثیر آنها بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای (میرحیدر، ۱۳۷۷: ۴). حافظ‌نیا نیز بر این باور است که سه عنصر اصلی یعنی جغرافیا، قدرت و سیاست دارای خصلتی ذاتی هستند و ترکیب این سه عنصر الگوهای رفتاری گروه‌های متشکل انسانی را در قبال یکدیگر تعیین می‌کند. از دیدگاه ایشان، ژئوپلیتیک عبارت است از علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر. وی معتقد است: ژئوپلیتیک تنها دانش رقابت کشورها بر سر کنترل سرزمین نیست، بلکه امروزه دامنه موضوعی دانش ژئوپلیتیک گسترش یافته است و از نظر مقیاس کارکردی، علاوه بر مقیاس‌های جهانی، منطقه‌ای و ملی، به سمت مقیاس‌های فروملی، نظیر نواحی و شهرها نیز سوق پیدا کرده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶).

بر همین اساس، اندیشمندان این حوزه، عوامل ژئوپلیتیکی را در دو دسته عوامل ثابت اعم از موقعیت، فضا، وسعت خاک و شکل کشور و عوامل متغیر از جمله جمعیت، منابع طبیعی و نهادهای سیاسی و اجتماعی مورد بررسی قرار داده‌اند. موقعیت جغرافیایی بین عوامل ثابت، و انسان بین عوامل متغیر نقش دو قطب اصلی را در تحلیل‌های ژئوپلیتیکی ایفا می‌کنند (عزتی، ۱۳۷۲: ۷۸).

نگارندگان با استفاده از مجموعه تعاریف ژئوپلیتیک معتقدند: ژئوپلیتیک یعنی کنش متقابل جغرافیا و سیاست که موجب بسط و ارتقای قدرت (در ابعاد محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی) می‌شود و در نتیجه به توسعه نفوذ می‌انجامد.



۴. ژئوپلیتیک شیعه

اگر ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی، اثر محیط و اشکال یا پدیده‌های محیطی بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی به ویژه در سطوح گسترده منطقه‌ای و جهانی در نظر گرفته شود (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۳۸)، باید دگرگونی هویتی شیعیان را که ماهیتی تاریخی دارد، یعنی مجموعه و ترکیبی از اندیشه‌ها، نگرش‌ها و گرایش‌هاست و ریشه در بار ایدئولوژیکی جامعه دارد (بابایی، ۱۳۸۸: ۳۸)، به عنوان موضوعی ژئوپلیتیک در نظر گرفت؛ زیرا قسمت عمده‌ای از پیروان این مذهب در منطقه‌ای قرار گرفته‌اند که بر روابط قدرت در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بسیار تأثیرگذار است (محمدپور، ۱۳۸۵: ۲۵۲). از طرف دیگر به سبب این همگرایی شیعیان بر اساس هویت مذهبی، آن هم در منطقه راهبردی خاورمیانه که به علت منابع گسترده نفت و آبراه‌های راهبردی برای کشورهای غربی اهمیت دارد (Hazbun 252:2010)، ممکن است فرایند دولت-ملت‌سازی را نتیجه دهد. این فرایند با ورود اعضای جدید به نظام دولت‌ها در دوره پس از جنگ سرد مورد اهمیت قرار گرفت (زرگر، ۱۳۸۶: ۹۱) و همچنان به طور متداوم در جریان است. در واقع ژئوپلیتیک شیعه با پیروزی انقلاب اسلامی که مبتنی بر آموزه‌های مذهب شیعه بود، پدید آمد. در این ارتباط فرانسوا توال معتقد است: رخداد انقلاب اسلامی در ایران و جنگ داخلی در لبنان، شیعه‌گری را به صورت عاملی ژئوپلیتیک در خط مقدم صحنه بین‌المللی قرار داده است.^۱ توال در توصیف اقتدار نهضت شیعه از دو مفهوم ژئوپلیتیک داخلی و خارجی نام می‌برد (توال، ۱۳۷۳: ۲). وی معتقد است: ژئوپلیتیک داخلی گسترده و شدت تأثیرگذاری در جامعه شیعی بر مجموعه تحولات و سیاست‌های داخلی کشور است و ژئوپلیتیک خارجی نیز عبارت است از قدرت تأثیرگذاری جامعه شیعی بر تحولات و سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی. به نظر توال، نیروی شیعه‌گری نه تنها بر رسالت مذهبی آن بلکه بر فلسفه معارضه با قدرتمندان و وفاداری بر سنت نبرد علیه بی‌عدالتی‌ها استوار است. این شعار جهانی برای رهایی تمام بشریت نبردی را دنبال می‌کند که عالم‌گیر است؛ به همین دلیل بر عهده رهبران سیاسی جهان است که واقعیت شیعه را درک کنند، چون استقرار صلح در خاورمیانه و جهان بستگی به برخورد صحیح با این

۱. توال کتاب خود را با عنوان ژئوپلیتیک شیعه در سال ۱۳۷۰ نوشته است؛ در حالی که طی مدت بیست سال پس از انتشار کتاب، اتفاقات مهمی در جهان شیعه رخ داده که مؤید نظریه توال است، از جمله پیشرفت‌های علمی-اقتصادی و نظامی و سیاسی ایران، پیروزی حزب‌الله علیه رژیم اشغالگر قدس در جنگ ۳۳ روزه، حاکمیت شیعه در عراق و اجبار خروج آمریکا از عراق، آغاز انتفاضه مردم بحرین، یمن و شیعیان عربستان و...



نیروی جدید بین‌المللی دارد که همان جوامع شیعی است (توال، ۱۳۷۳: ۲۶). توال مذهب شیعه را به عنوان موضوعی که از ماهیت ژئوپلیتیکی برخوردار است، در نظر گرفته و نقطه ثقل جغرافیایی شیعیان را که بر روابط قدرت در سطح جهان تأثیرگذار است، شیعیان ساکن سواحل خلیج فارس می‌داند. بنابراین مذهب شیعه بر سه رکن عقلانیت، معنویت و عدالت استوار است و جهان اسلام و بشریت را با توجه به این ارکان برای نجات دنیوی و اخروی توصیه و دعوت می‌کند.

عده‌ای از صاحب‌نظران غربی معتقدند حساسیت آموزه‌های ایدئولوژیکی شیعه زمانی بیشتر خواهد شد که موقعیت‌های ژئوپلیتیکی شیعه هم در نظر گرفته شود. ژئوپلیتیک شیعه به مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعه در کشورهای مختلف خاورمیانه بزرگ با هارتلند ایران است (مایل افشار، ۱۳۸۳). در واقع، کمربندی از تشیع، حیات اقتصادی، استراتژیکی و تاریخی اسلام را در برمی‌گیرد و بخش‌هایی از لبنان، سوریه، عراق، عربستان، کویت، بحرین، ایران، افغانستان، پاکستان و هندوستان را می‌پوشاند. قسمت عمده‌ای از شیعیان در منطقه‌ای قرار گرفته‌اند که بر روابط قدرت در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بسیار تأثیرگذارند. حدود ۷۰ درصد از جمعیت حوزه نفتی خلیج فارس را شیعیان تشکیل می‌دهند. چاه‌های نفت در کشورهای این منطقه به طور عمده در مناطق شیعه‌نشین قرار دارد (محمد پور، ۱۳۸۵: ۲۵۲).

توال بر این باور است که پدیده شیعه‌گری در حقیقت رفته‌رفته در کانون بیشتر درگیری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی قرار گرفته است. اکثر شیعیان در مراکز و مناطق حساس ژئوپلیتیکی جهان سکونت دارند. این مسئله قدرتی به آنها بخشیده است که می‌توانند جهان را با چالش جدی روبه‌رو کنند (احمدی، ۱۳۹۰: ۳۶). مارتین کرامر، محقق اسلام‌سنج آمریکایی نیز بر این باور است که ژئوپلیتیک شیعه در دوران معاصر برخی از قوی‌ترین مفاهیم طغیان انقلابی را پدید آورده است. جنبش‌های شیعی امروزه راهبردهای سیاسی فوق‌العاده اصیلی ابداع کرده‌اند که غالباً موجب شگفتی و حیرت دنیای اسلام و غرب شده است. این شیوه در ایران از عظیم‌ترین موفقیت‌ها برخوردار است و الهام‌بخش سایر شیعیان در دنیای عرب و جنوب آسیا نیز شده است. کمربندی از تشیع، حیات اقتصادی، استراتژیکی و تاریخی اسلام را در برمی‌گیرد و بخش‌هایی از لبنان، سوریه، عراق، عربستان، کویت، بحرین، ایران، افغانستان، پاکستان و هندوستان را می‌پوشاند. این کمربند که در کشورهای مختلف به اکثریت و اقلیت شیعه تقسیم می‌شود، خود دنیایی است که تأثیرات گوناگون در آن به سرعت انتقال می‌یابد (کرامر، ۱۹۸۴: ۵۱). در واقع آنچه مایه نگرانی



غرب از انقلاب اسلامی است فکر جدید و مناسبات انسانی و معنوی جدیدی است که انقلاب اسلامی مطرح کرده است که این تفکر ارتباط مستقیمی با اسلام سیاسی شیعی دارد (شفیعی فر، ۱۳۷۸: ۳۲۶). اسلام شیعی با داشتن مجموعه‌ای از ایده‌ها و نگرش‌های اعتقادی، ارائه‌دهنده یک ایدئولوژی اسلامی برای تعالی انسان و حرکت او به سوی کمال حقیقی است. این سعادت و کمال بر خلاف وعده ایدئولوژی‌های مادی نمی‌تواند صرفاً اهداف دنیوی و مادی گروهی را دربرگیرد، بلکه مبتنی بر اهداف دینی و اخروی تمام جامعه بشری است (امرای، ۱۳۸۲: ۱۷۳). بر این اساس، عوامل فرهنگی و اعتقادی به عنوان مؤلفه‌های مهم ژئوپلیتیکی محسوب می‌شوند و توجه جنبش‌های آزادی‌بخش و نخبگان اسلامی به نقش اسلام در صحنه سیاسی باعث شده است ژئوپلیتیک کشورهای که از جمعیت با اکثریت مسلمان برخوردار بودند، اهمیت یابد. زین‌العابدین در مقاله «منافع ملی ایران و ژئوپلیتیک نوین تشیع» می‌نویسد: یکی از بارزترین تمایزات ژئوپلیتیکی ایران مذهب شیعه است؛ زیرا ایران هسته اصلی جهان تشیع به حساب می‌آید به ویژه اینکه منافع ایران در سال‌های اخیر با ژئوپلیتیک نوین تشیع گره خورده است (زین‌العابدین، ۱۳۸۶: ۴۶).

۵. ژئوپلیتیک مقاومت (انتقادی)

مفهوم دیگری که ممکن است در تبیین موضوع این پژوهش مفید واقع شود ژئوپلیتیک مقاومت است. رخدادهایی که از درون جوامع، سلطه نظامی، سیاست، فرهنگ و اقتصاد دولت و طبقه مسلط را به چالش می‌کشد به تعبیر پاول روتلج، ژئوپلیتیک از پایین نامیده می‌شود که همان ژئوپلیتیک مقاومت است که زبان حال طبقات تحت سلطه را منعکس می‌کند و مملو از مبارزات ضد سلطه‌گری و مقاومت در برابر نیروی جبار دولت‌ها در سیاست‌های داخلی و خارجی آنهاست. ژئوپلیتیک مقاومت یا به تعبیر روتلج ضد ژئوپلیتیک یا ژئوپلیتیک از پایین عبارت است از نیروی فرهنگی، سیاسی و اخلاقی درون جامعه‌ای مدنی که تضاد منافع مد نظر طبقه سیاسی مسلط دولتی را با منافع عموم مردم به چالش می‌کشد. این نیرو در قالب نهادها و سازمان‌های غیردولتی عمل می‌کند و قدرت مادی (نظامی-اقتصادی) دولت‌ها و سازمان‌های جهانی و حامیان بین‌المللی آنها را به چالش می‌کشد. ژئوپلیتیک مقاومت در اشکال مختلف از گفتمان‌های متضاد روشنفکران ناراضی گرفته تا راهبردها و تاکتیک‌های جنبش‌های اجتماعی را شامل می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۳۸۶: ۷۳). ژئوپلیتیک مقاومت به اعتقاد

میشل فوکو، واکنش در مقابل قدرت سلطه‌گری است و همواره سلطه استکباری عامل ایجاد مقاومت بوده است (همان: ۷۴).

الف) قدرت

مفهوم قدرت در تحقیق حاضر مبتنی بر آرا و اندیشه‌های اندیشمندان پست‌مدرن، به خصوص میشل فوکو است. براساس این مفهوم‌بندی، قدرت به صورت پدیده‌ای اجتماعی و ساختاری درک می‌شود. این نوع قدرت، نامتعین، چندشکلی، فراگیر و در سراسر جامعه پراکنده است. بنابراین قدرت نوعی فناوری و راهبرد است که پیوند عمیقی با دانش، صلاحیت و امتیازات دارد و به صورت غیرمستقیم اعمال می‌شود. قدرت یک نهاد یا ساختار نیست، بلکه «وضعیت استراتژیکی پیچیده» و «کثرت روابط بین نیروها» است (بشیریه، ۱۳۸۲: ۲۶۰).

این مفهوم از قدرت، به پیروی از فوکو، بیش از آنکه به تحلیل قدرت متمرکز، نهادینه‌شده و سازمان‌یافته بپردازد، تکنیک‌ها و شیوه‌های اعمال قدرت را مورد بررسی قرار می‌دهد. این تصور و تلقی از قدرت بدین معناست که جامعه و روابط اجتماعی مشحون از روابط قدرت‌اند (فوکو، ۱۳۷۶: ۳۶۳-۳۵۴). همچنین تشیع عاملی ژئوپلیتیکی به شمار می‌رود زیرا قسمت عمده‌ای از پیروان این مذهب در مناطقی استقرار دارند که بر روابط قدرت در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بسیار تأثیرگذار است (تلاشان، ۱۳۸۹: ۱۱۰). جوزف نای بر پایه سنت متداول، قدرت را این‌گونه تعریف می‌کند: توانایی تأثیرگذاری بر رفتار دیگران برای انجام دادن یا ندادن کاری که برخلاف خواست آنهاست. به نظر وی، چندین راه برای تأثیرگذاری بر کنش‌ها و رفتار دیگران وجود دارد: نخست، مجبور کردن آنان با تهدید؛ دوم، تطمیع و اغوای آنان با پرداخت پول و پاداش؛ سوم، از طریق جذب کردن، همدست و همکار کردن. بنابراین برای دستیابی به اهداف مطلوب همواره به کارگیری زور و اجبار و پول و پاداش لازم نیست، بلکه صور و طرق دیگری نیز وجود دارد. در نتیجه، دست‌کم دو نوع قدرت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری را باید از هم متمایز کرد (نای، ۱۹۹۰: ۷۱-۱۵۳). قدرت نرم به توانایی در جذب و اقناع دیگران برای هم‌دستی و همکاری تعریف می‌شود. این نوع قدرت بر هنجارها، ارزش‌ها، انگاره‌ها، ایدئولوژی، نهادهای سیاسی، اعتبار، اخلاق و فرهنگ مبتنی و متکی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۵۷).



ب) گفتمان

گفتمان‌ها مبتنی بر نیروها و عوامل قدرتمند اجتماعی با عنوان عینیت علمی و معرفتی، «رژیم‌های حقیقت» را تأسیس می‌کنند که سوژه و سوژگی را بر می‌سازد (Derian, 1949: 977). بدین ترتیب سوژه یا به عبارت دیگر هویت بازیگران و کشورها تابع و معلول گفتمان‌ها و رویه‌های گفتمانی است. رویه‌های گفتمانی یکی از مهم‌ترین انواع و اشکال قدرت به شمار می‌روند. قدرت رویه‌های گفتمانی در توانایی آن در بازتولید معانی بینادذهنی نهفته است. رویه‌های گفتمانی قادرند کل اجتماع داخلی و بین‌المللی را بازتولید کنند (Tedhop, 1998: 1671). البته باید توجه کرد این رویه‌های گفتمانی، همان‌گونه که فوکو در کتاب باستان‌شناسی دانش بیان می‌دارد، با آثار فردی منطبق نیستند. اگرچه این رویه‌ها در آثار فردی تجلی می‌یابند، ولی بسیار فراتر از آنها می‌روند و تعداد زیادی را وحدت می‌بخشند. این رویه‌ها قاعده‌مند و سیستماتیک هستند و نمی‌توان آنها را به سطح آثار فردی فرو کاست (Foucault, 1974: 105).

گفتمان به معنای نظام ارزش‌ها، قواعد و معانی در یک زمینه و بستر زبانی است که دارای خودمختاری و تأثیرات مستقل است و بر تمام ابعاد و جوانب حیات اجتماعی سایه می‌افکند و کشورها و سایر بازیگران اجتماعی از طریق آن خود و جهان را درک و تعریف می‌کنند. گفتمان تنها معنا را بازنمایی و حمل نمی‌کند بلکه چون ماهیت و سرشتی تکوینی و تأسیسی دارد، معنا و ارزش‌ها را تولید و بازتولید می‌کند. در نتیجه، گفتمان، ممکن و غیرممکن، مسئله و مشکل را تعریف می‌کند. بر این اساس، گفتمان‌ها پایگاه و محل روابط اجتماعی قدرت‌اند، چون جایگاه رویه‌های عادی حیات را تعیین و عرصه‌ها و حوزه‌های اجتماعی کنش متصور و ممکن را تعریف می‌کنند. فراتر از این، گفتمان‌ها به عنوان یک نظام معنایی تکوینی عام و فراگیر، فرایندها، رویه‌ها و روابط اجتماعی، هویت‌های اجتماعی، سوژه‌ها و ظرفیت‌های آنان را از طریق معنابخشی به آنها می‌آفرینند. این امر بدان معناست که گفتمان‌ها فقط به صورت ابزار و منبع قدرت توسط کشورها در روابط بین‌الملل به کار نمی‌روند، بلکه خود تولیدکننده قدرت‌اند و کشورها را بر می‌سازند و آنان را قدرتمند می‌کنند. لذا همان‌گونه که فوکو بیان می‌دارد، کشورها تنها هدف قدرت قرار نمی‌گیرند، بلکه معلول و محصول آن نیز هستند. بنابراین، قدرت در روابط بین‌الملل در قالب تولید گفتمانی سوژه‌ها، تثبیت معانی و مشروع ساختن بعضی کنش‌ها و رفتارها نمود و تجلی می‌یابد. برای مثال آفرینش سوژه‌ها و مقولاتی مانند «ژئوپلیتیک شیعه» نمونه‌هایی از تولید و تکوین گفتمانی و سوژگی به شمار می‌روند که در راستای قدرت نرم کشورهای قدرتمندی همچون امریکا

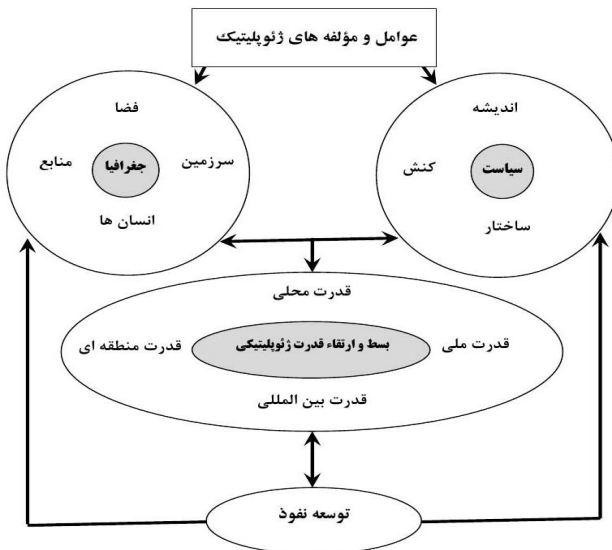


و در جهت تأمین خواسته‌ها و اهداف امنیتی آنان در خاورمیانه قابل تفسیر هستند. در نهایت هدف فوکو در تبارشناسی این است که آشکار کند چگونه با تولید حقیقت بر خود و دیگران حکومت می‌کنیم. فوکو با علوم انسانی دست به تحلیل رابطه قدرت و حقیقت زده و به این نتیجه رسیده است که نظام قدرت هم شرط تولید حقیقت درباره انسان و هم پیامد آن است. مطالعات او در رشته‌های مختلف رابطه دوجانبه میان قدرت و حقیقت را نشان می‌دهد (حقیقی: ۱۳۸۲، ۱۹۰).

با توجه به تعریف مد نظر از ژئوپلیتیک که بر اثر کنش متقابل سیاست و جغرافیای قدرت، تولید می‌شود، رگه قدرت موجب توسعه نفوذ می‌شود؛ بنابراین مؤلفه‌های سیاست و جغرافیا که در مدل نظری ذیل ارائه شده با جایگزینی مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی شیعه و استخراج شاخص‌های هر مؤلفه و تأثیرگذاری متقابل آنها از طریق سطوح قدرت بر مؤلفه‌های توسعه نفوذ انقلاب (در قالب گفتمان‌های عدالت، معنویت، عقلانیت و وحدت و گفتمان ظلم‌ستیزی) تأثیرگذاری و توسعه نفوذ انقلاب اسلامی به وجود می‌آید و متقابلاً قدرت توسعه نفوذ انقلاب اسلامی نیز موجب افزایش سطوح قدرت در جغرافیا خواهد شد. این مفاهیم در مدل مفهومی و شاخص‌های ژئوپلیتیک شیعه در مباحث ذیل تشریح شده است.

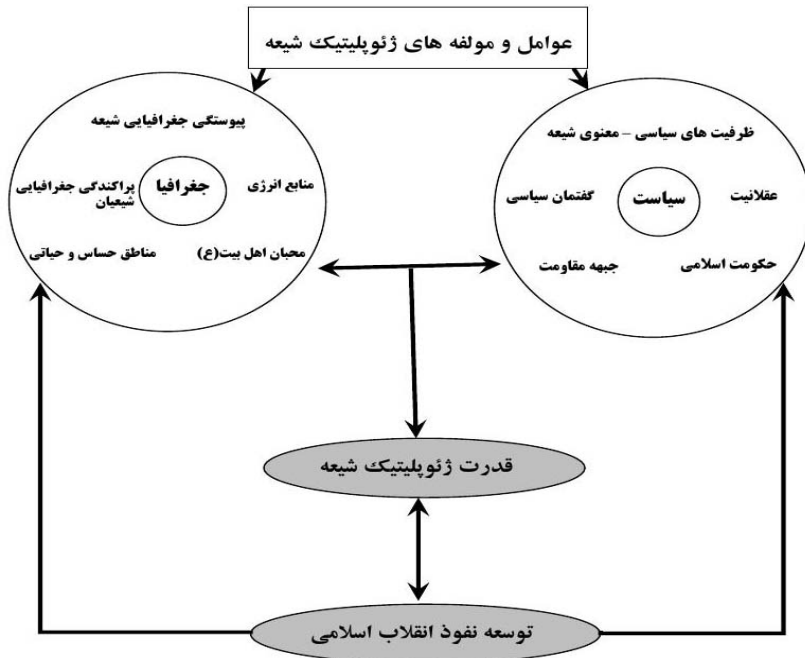
مدل ژئوپلیتیک

(چارچوب نظری)



منبع: نگارندگان

مدل ژئوپلیتیک شیعه



منبع: نگارندگان

یافته‌های تحقیق

با توجه به مدل چارچوب نظری فوق، کنش متقابل مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی شیعه موجب تولید قدرت شیعه و در نتیجه توسعه نفوذ انقلاب اسلامی می‌شود. در زیر به برخی عوامل مهم مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی شیعه و روابط بین آنها اشاره می‌شود.

۱. مؤلفه‌های سیاسی شیعه

الف) ظرفیت‌های سیاسی - معنوی شیعه

عمده‌ترین ظرفیت‌های سیاسی - معنوی شیعه شامل عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی، امامت و ضرورت تشکیل حکومت، اجتهاد و آگاهی به زمان، جهاد و شهادت است که در ادامه به اختصار به توضیح آنها می‌پردازیم.

عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی: شیعه عدالت را از صفات خداوند و جزء اصول مذهب خود می‌داند؛ از این رو با کسانی که مشروعیت حکومت ظالم خود را به خداوند



نسبت می‌دهند مخالفت می‌کند (حسینیان، ۱۳۸۰: ۱۹). به این ترتیب می‌توان گفت بزرگ‌ترین انگیزه و حساسیت شیعیان انقلابی، عدالت‌خواهی آنهاست.

این اصل برای شیعیان الهام‌بخش تلاش برای برقراری عدالت است و به همین دلیل شیعیان به دنبال استقرار اسلامی هستند که پیام اصلی‌اش عدالت است. شیعه عدالت را برای خلیفه، والی، حاکم، قاضی، پلیس، امام جماعت و... لازم می‌داند. شیعیان بر خلاف اهل سنت که در درجه اول اسلام را دین قدرت می‌دانند، در درجه نخست، اسلام را دین عدالت و تاریخ راستینش را تاریخ عدالت و دادگستری می‌دانند (مسجد جامعی، ۱۳۸۴: ۲۶۶). اهل سنت مبنای اطاعت از احکام را حکم کلی‌تر آن می‌دانند و معتقدند که بر اساس آن باید از خدا، پیامبر (ص) و اولی الامر اطاعت کرد و اولی الامر یعنی حکومت مقتدر، ولو اینکه ستمکار و جائر باشد؛ در حالی که مکتب شیعه اولی الامر را امام معصوم (ع) می‌داند که در دوران غیبت، فقیه جامع‌الشرایط این وظیفه را برعهده دارد. امت بسیاری از ادیان مختلف مبارزه با ظلم را غیرممکن می‌دانند. برخی معتقدند همانا حاکمان ظالم اولی الامر هستند و باید از آنها اطاعت کرد. برخی معتقدند محکوم ژئوپلیتیک هستند و در مبارزه پیروز نخواهند شد. برخی در صورت ضمانت در پیروزی حاضر به مبارزه هستند؛ در حالی که شیعه معتقد است خداوند عادل است و به وعده‌هایش عمل می‌کند و الزاماً همچون امام حسین (ع) برای پیروزی نمی‌جنگند، بلکه برای ادای تکلیف شرعی مبارزه می‌کنند.

امامت و ضرورت تشکیل حکومت: یکی از اصول مذهب شیعه امامت، یعنی اعتقاد به وجود امام عادل و معصوم است؛ با این توضیح که در زمان غیبت اعتقاد به امام از طریق فقیه جامع‌الشرایط تداوم می‌یابد. بنابراین اصل امامت بالقوه عنصری انقلابی است که در صورت به فعلیت در آمدن می‌تواند حکومت‌های نامشروع را سرنگون و حکومت مطلوب را جایگزین آنها کند (حسینیان، ۱۳۸۰: ۱۴). اعتقاد به اینکه هر حکومتی غیر از حکومت امام معصوم (ع) یا حکومت غیرمأذون از طرف امام معصوم (ع) غصبی است، به طور بالقوه موجد انقلاب است.

اجتهاد و آگاهی به زمان: در دوران غیبت و تا ظهور منجی بشریت، یکی از اساسی‌ترین راهکارهای شیعه برای اداره بهتر زندگی اجتماعی و سیاسی خویش بر اساس شرایط روز و مقتضیات زمان، اصل اجتهاد است. اصل اجتهاد روح اعتراض و انتقاد را در برابر حاکمیت‌های غیرمنصف تقویت می‌کند. علاوه بر این، شیعه از طریق



مرجعیت به نوعی به رهبری اجتماعی دست می‌یابد که در مواقع لزوم می‌تواند نیروها و قشرهای مختلف جامعه را ساماندهی و آماده جهاد کند (متقی‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۷). اصل اجتهاد در طول تاریخ سبب شده است که شیعه دچار جمود و واپس‌گرایی نشود و همین اصل جذابیت‌های لازم را برای انطباق معرفت دینی با دستاوردهای دانش بشری در حوزه‌های گوناگون سیاست، اجتماع، اقتصاد، فرهنگ و علوم معاصر ایجاد کرده است (نامدار، ۱۳۷۶: ۸۰). برای مثال، مهم‌ترین اقدام امام خمینی (ره) در این زمینه ایجاد تغییرات اساسی در تفکر اجتهادی شیعه نسبت به سیاست بود. مبنای این تغییرات، تفسیر جدیدی بود که امام (ره) از مفاهیم، آموزه‌ها و نمادهای اسلامی شیعی گرفته بود. بر این اساس اهداف اصلی انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی از دیدگاه امام عبارت‌اند از: (عزتی، ۱۳۸۱: ۳۰۱)

- مبارزه با نظام سلطه، استعمارگران و استثمارگران سرزمین‌های اسلامی؛
- مبارزه با ظلم در راستای حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان؛
- کمک به نهضت‌های اسلامی و حرکت‌های رهایی‌بخش در سطح جهان؛
- تلاش برای استقرار صلح و آرامش در جهان از طریق ظلم‌ستیزی و سلطه‌ستیزی و دفاع از مظلومین.

جهاد و شهادت: واقعه اسطوره‌ای عاشورا در کربلا در حقیقت، بنیان و اساس نظریه انقلاب در تشیع است، زیرا شیعه قیام امام حسین (ع) را یک پرچم سرخ در حال اهتزاز به عنوان استمرار نبرد حق و باطل می‌داند؛ بنابراین مکتب امام حسین (ع) اسوه ظلم‌ستیزی و پرچم‌دار جهاد در شرایط نابرابر جنگ علیه غاصبان حکومت است. عنصر شهادت از قوی‌ترین نیروهای محرک برای اقدام سیاسی است و به تعبیر الوردی، مورخ و نویسنده عرب، شهادت پیوسته شیعه را به صورت آتش‌فشان خاموش در آورده است (نامدار، ۱۳۷۶: ۳۵). حامد الگار معتقد است که ترکیب دو عنصر غیبت کبری و شهادت به ویژه در مراحل از تاریخ به تشیع دیدگاه و موضعی مبارزه‌جویانه و انقلابی می‌بخشد (الگار، ۱۳۶۰: ۱۷).

در شرایط کنونی کربلا به عنوان مرکز مقدس برای تجمع شیعیان عاشق از اقصی نقاط جهان می‌تواند موجب وحدت و یکپارچگی و تقویت روحیه جهاد و شهادت بین شیعه شود و آرمان‌های شیعه را فارغ از قید و بندهای قومی و منطقه‌ای در پیوند با ژئوپلیتیک شیعه محقق کند و همواره موجب تقویت سیاسی- معنوی شیعه شود. هنگامی که از آموزه‌های شهادت سخن به میان می‌آید، نمادی‌ترین واقعه، شهادت امام



حسین(ع) است که در تشیع مظهر و الگوی تمام‌عیاری برای شهادت شمرده می‌شود. تلقی شیعیان از چنین مرگی پیروزی است؛ زیرا شیعه معتقد است چه دشمن را نابود کنیم و چه شهید شویم در هر حال پیروزیم. این تفکر، ترس از مرگ را که مهم‌ترین مانع و بازدارنده از انجام مبارزه است به چالش می‌کشد (متقی‌زاده، ۱۳۸۴: ۴۱).

اصول تولی و تبری و امر به معروف و نهی از منکر: اصول تولی و تبری یعنی اثبات ولایت اولیای دین و نفی هر ولایتی که معارض آنهاست. این اصول در دوران معاصر از مؤلفه‌های اساسی فرهنگ سیاسی شیعه به شمار می‌رود. اصل امر به معروف و نهی از منکر نیز که ضرورت مشارکت عناصر جامعه در نظارت همگانی بر هیئت حاکم و حتی رفتار نامناسب انسان‌هاست، موجب سلامت جامعه و ضامن بقا و استمرار نظام اسلامی صالح و عادل خواهد بود. اصل خمس هم به عنوان ابزار اصلی در ایجاد استقلال مالی شیعه در طول تاریخ رهبران مذهبی را در مقابل تمام حکومت‌ها استقلال بخشیده است تا بتوانند آزادانه تصمیم بگیرند (حسینیان، ۱۳۸۰: ۱۵).

وحدت جهان اسلام: تلاش شیعه برای تحقق وحدت جهان اسلام در راستای اقتدار مسلمین در مقابل نظام سلطه و رهایی ملت مظلوم فلسطین و ایجاد آزادی‌های مشروع در جوامع اسلامی از ویژگی‌های شیعه به خصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی است؛ بنابراین بر اساس مبانی مذهبی شیعه و تأکید و اصرار رهبری انقلاب اسلامی، علاوه بر موضع‌گیری رسمی از سوی جمهوری اسلامی ایران، ساختار اجرایی با عنوان مجمع تقریب مذاهب در کشور ایجاد شده است که در تعامل و همفکری با نخبگان و علمای جهان اسلام در صدد تحقق وحدت جهان اسلام است.

ب) ظرفیت‌های جغرافیایی شیعه

پیوستگی جغرافیایی بین شیعیان: پیوستگی سرزمینی بین شیعیان ایران، عراق، آذربایجان و بحرین با اکثریت جمعیت شیعه و همچنین ارتباط با شیعیان افغانستان، پاکستان، لبنان و سایر اقلیت‌های شیعه در کشورهای همسایه و تبدیل شدن قدرت شیعه عراق پس از خروج نیروهای آمریکایی از تهدید به فرصت، آینده روشنی را برای تقویت ژئوپلیتیک شیعه در منطقه نوید می‌دهد.

تسلط بر منابع بزرگ انرژی در منطقه خلیج فارس: با افزایش نیاز جهانی به انرژی به عنوان عنصر ژئوپلیتیکی و آغاز حرکت بیداری اسلامی در منطقه، به ویژه در کشورهای بحرین، یمن، عربستان، و تحت فشار قرار دادن حکومت‌های غیردموکراتیک



در خاورمیانه برای ایجاد آزادی‌های سیاسی برای مردم، به ویژه در منطقه حساس خلیج فارس که شیعیان همواره از حداقل حقوق خود محروم بوده‌اند، شرایط حساس‌تر شده است.

تسلط بر موقعیت‌های راهبردی: اشراف و کنترل ایران بر موقعیت گذرگاهی تنگه هرمز که به لحاظ اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی در جهان از ارزش فوق‌العاده‌ای برخوردار است و در شرایط حساس می‌تواند جهان را با چالش اساسی مواجه کند. این فرصت تاکنون قدرت سلطه را در برخورد با ایران مجبور به اتخاذ مواضع محتاطانه کرده است. اگرچه آمریکا به بهانه حمایت از کشورهای عربی در منطقه حضور یافته است، ولی همواره تلاش می‌کند نقش ایران را در منطقه راهبردی خلیج فارس کم‌رنگ کند. بیداری اسلامی در شمال آفریقا نشان داد که نظام سلطه توان ایستادگی در مقابل خواسته‌های مردم را ندارد و نمی‌تواند از دست‌نشانده‌های خود همچون گذشته دفاع کند. بنابراین روند تحولات حاکی از آزاد شدن پتانسیل شیعه در منطقه است. تحولات یمن با موقعیت گذرگاهی در تنگه باب‌المندب و داشتن اکثریت مذهب زیدی و شافعی معارض عربستان به عنوان فشار جدی بر سعودی‌ها که مقتدرترین مجری سیاست‌های نظام سلطه در منطقه هستند، می‌تواند بر معادلات کلان منطقه تأثیرگذار باشد؛ به خصوص که عربستان علاوه بر تهدیدهای درونی، از شکل‌گیری حکومت‌های دموکراتیک در جهان اسلام متأثر خواهد شد.

پیشرفت ایران در حوزه‌های مختلف و ایستادگی در مقابل سلطه‌گران نیز از فرصت‌ها و ابزارهای دیگر توسعه ژئوپلیتیک شیعه به لحاظ جغرافیایی است. ظرفیت‌های جغرافیایی شیعه از خلیج فارس به سمت دریای سرخ، باب‌المندب و مدیترانه رو به گسترش و توسعه خواهد بود.

۲. ایران ام‌القرای شیعه

الف) الگوی حکومت مردم‌سالاری دینی

جمهوری اسلامی ایران به عنوان دستاورد انقلاب اسلامی بر اساس اصول و مبانی شیعه و با محوریت مرجعیت دینی علاوه بر اینکه توانسته است در حوزه بین‌المللی حضوری فعال داشته باشد، در ارائه مدل حکومتی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی پیوند جدیدی بین دین و سیاست برقرار کرده و نمونه جدیدی از اندیشه حکومت اسلامی را طی سه دهه با موفقیت پشت سر گذاشته است.



ب) ژئوپلیتیک جدید ایران

با توجه به نظریه‌های مختلف، ایران از سه امتیاز ژئوپلیتیکی مهم برخوردار است:

۱. ایران از شمال به موقعیت بری اوراسیا متصل است.
۲. به دلیل داشتن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان از موقعیت بحری خوبی برخوردار است.

۳. ایران دارای موقعیت گذرگاهی به لحاظ در اختیار داشتن تنگه هرمز است. این تنگه از شاهرگ‌های حیاتی اقتصاد جهان است که با گذشت زمان اهمیت آن به دلیل افزایش تقاضای انرژی از سوی قدرت‌های جهانی فزونی یافته است. اما دامنه گسترده تحولات جهانی در دهه ۱۹۹۰ و دگرگونی‌های بنیادین در عرصه‌های روابط و سیاست بین‌الملل سبب افزایش اهمیت ژئوپلیتیکی ایران شد. فروپاشی نظام جهانی دوقطبی، ایالات متحده آمریکا را ترغیب کرد با اتخاذ سیاست یکجانبه‌گرایی در راستای برتری هژمونی خود اقدام کند. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان قدرتی منطقه‌ای با پتانسیل‌های مؤثر بازیگری در عرصه‌های بین‌المللی، ضمن اثرپذیری از دگرگونی‌های روابط بین‌الملل، به پشتوانه اندیشه انقلاب اسلامی، به دنبال تأثیرگذاری بر روابط و ساختارهای موجود برآمد. جغرافیای وسیع و متمایز ایران، منابع عظیم انرژی در داخل و اطراف ایران، انسجام ایدئولوژیکی، عمق و گستردگی حوزه نفوذ فرهنگی، موقعیت منحصر ژئوپلیتیکی با تأثیرات متقابل راهبردی بر تحولات منطقه‌ای و سایر مزایای نسبی از جمله ویژگی‌های شاخص ژئوپلیتیکی ایران در فضای جهانی است که به ایران قدرت بازیگری و رقابت بخشیده است. بر این اساس آمریکا در منطقه راهبردی خاورمیانه با ایران به مقابله برخاست و به لحاظ اهمیت و موقعیت خاص ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران دامنه درگیری خود را افزایش داد که حاصل این رودررویی محاصره اقتصادی و چالش‌های گسترده سیاسی، تبلیغاتی و تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران بود.

نگرانی‌های راهبردی غرب درباره کنترل ذخایر انرژی به دلیل وجود قریب ۷۰ درصد ذخایر ثابت‌شده نفت و بیش از ۴۰ درصد منابع گاز طبیعی جهان در داخل منطقه‌ای بیضی‌شکل از جنوب روسیه و قزاقستان تا عربستان سعودی و امارات متحده عربی به مرکزیت ایران سبب شد که این بستر فضایی راهبردی با هدف تأمین امنیت جهانی انرژی تحت عنوان خاورمیانه بزرگ در عرصه سیاست نوین جهانی مورد توجه ویژه قرار گیرد.



۳. جبهه مقاومت

همسو بودن جبهه مقاومت علیه رژیم غاصب فلسطین متشکل از جمهوری اسلامی ایران، عراق، سوریه، لبنان و احزاب حماس و جهاد اسلامی در فلسطین علاوه بر تحت فشار قرار دادن رژیم صهیونیستی، منافع آمریکا و غرب را در منطقه با چالش جدی مواجه کرده است. با گذشت زمان طولانی از شکل‌گیری جبهه مقاومت، در سال‌های اخیر شاهد تقویت و توسعه این جبهه بوده‌ایم و در شرایط فعلی نگرانی از قدرت مقاومت، دشمنان انقلاب اسلامی را در جبهه متحد غربی - عربی علیه مقاومت متحد کرده است. این جبهه به ویژه پس از شکست رژیم صهیونیستی در جنگ با حزب‌الله و حماس بیشتر احساس نگرانی کرده و متحدتر شده است و در آخرین تلاش‌های خود با تمسک بر ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی و دامن زدن به فتنه مذهبی میان شیعه و سنی تلاش می‌کند جبهه مقاومت را در تقابل با جهان اسلام معرفی کند و برای تحت شعاع قرار دادن حرکت بیداری اسلامی هجمه گسترده جبهه غربی - عربی را برای اسقاط رژیم سوریه به کار گرفته است تا علاوه بر تأثیرگذاری بر روند حرکت بیداری اسلامی، کشورهای عربی تحت سلطه را از خطر بیداری اسلامی نجات دهد.

۴. بیداری اسلامی طلایه توسعه جبهه مقاومت

در اوایل سال ۲۰۱۱ بن علی از تونس به عربستان پناهنده شد و راشد الغنوشی، رهبر حزب النهضة، به حکومت دست یافت. غنوشی، نویسنده کتاب حرکت امام خمینی (ره) و تجدید حیات اسلام، معتقد به بازگشت مسلمانان به خویشن اسلامی و لزوم بازنگری مسلمانان در خود است (Blake, 2011:4) پس از انقلاب تونس، موجی از ناآرامی‌ها در جهان اسلام آغاز شد و در ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ پس از ۱۸ روز اعتراض در مصر، مبارک قدرت را تسلیم کرد. انقلاب دیگری در ۱۷ فوریه در لیبی آغاز شد و مردم این کشور پس از ۸ ماه مقاومت و درگیری، با اتکا به امکانات خود جنگ را ادامه دادند و در نهایت به پیروزی رسیدند. در یمن و بحرین نیز حرکت‌های مردمی به وجود آمد که همچنان ادامه دارد. دامنه این اعتراضات به عربستان و سایر کشورهای غیردموکراتیک نیز کشیده شده است. در این انقلاب‌ها موضع ایران به عنوان پایگاه شیعیان منطقه و حامی اصلی جنبش‌های اسلام‌گرا در سه دهه اخیر که رهبر انقلاب این حرکت‌ها را «بیداری اسلامی» خواند، همسو با این حرکت‌ها بود (Meris,Lutz, 2011).

کوکر و اسپیندل می‌نویسند: ریاض در طول دهه‌های اخیر رهبری مصر و قدرت



صدام را خاک‌ریز کلیدی عرب‌ها بر سر راه نفوذ ایران می‌دید. بخشی از این دیوار سال ۲۰۰۳ با حمله آمریکا به عراق و سرنگونی صدام فرو ریخت. در نتیجه، از دست دادن مبارک بدین معناست که سعودی‌ها هم اکنون خود را آخرین غول سنی باقی‌مانده در منطقه می‌بینند (Spindle, 2011: 20). با از میان رفتن دو سد سنی مورد حمایت آمریکا یعنی صدام و مبارک، ایران اکنون بیش از هر زمان دیگری فرصت یافته است بدون دغدغه‌های قبلی به بسط نفوذ خود در منطقه بپردازد. اولین اقدام ایران تردد ناوهای ایرانی پس از ۳۰ سال از کانال سوئز در فوریه ۲۰۱۱ بود که خشم اسرائیل را برانگیخت. دیگر اینکه اظهار تمایل انقلابیون مصر، تونس و لیبی برای سفر به ایران فضای جدیدی از روابط آن ملت‌ها را رقم خواهد زد (Spindle 2011: 37). بر اساس تحلیل بسیاری از کارشناسان خاورمیانه، آغاز بیداری اسلامی در جهان اسلام به ضرر مخالفین ایران است. بنابراین آمریکا از یک سو تلاش می‌کند مهره‌هایش را حفظ کند و از سوی دیگر مجبور است در قبال دموکراسی مردم سکوت کند. بیداری اسلامی ضمن تفاوت جدی با انقلاب‌های عربی در گذشته که عمدتاً قومی یا کودتایی بودند، دارای ویژگی‌های خاصی است؛ از جمله اینکه حرکت‌ها به صورت مردمی آغاز شد و علمای دین و احزاب سیاسی بعدها به مردم پیوستند. شعارهای مردم، اسلامی است و عمدتاً بر محور دین استوار است. شاید پیروزی حزب‌الله و حماس در مقابل ابرقدرت آمریکا و رژیم صهیونیستی امید جوانان اسلامی را برای پیروزی زنده کرد. علاوه بر آن ایستادگی انقلاب اسلامی در مقابل نظام سلطه و پیشرفت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی امید دیگری برای ملت‌های مسلمان ایجاد کرد. در این حرکت‌ها جوانان پیشرو انقلاب‌ها هستند. مطالبات مردم آزادی، حاکمیت اسلام و مبارزه با سلطه‌گری است. عمدتاً انقلابیون موضع ضد اسرائیلی و ضد غربی دارند. در نتیجه سایر کشورهای عربی ناگزیرند فضای باز سیاسی ایجاد کنند؛ در غیر این صورت در معرض خطر سقوط قرار می‌گیرند. حمایت آمریکا و غرب از متحدین خود ثمربخش نبوده است؛ بنابراین حکام کشورهای اسلامی مجبورند در مقابل مطالبات مردم تا حدی بیشتر تمکین کنند. نگرش‌ها و تحولات کشورهای عربی که نظام جدیدی را پایه‌ریزی کرده‌اند، در زمره شعارهای انقلاب اسلامی ایران نهفته است. اگرچه غرب با تمام توان تلاش می‌کند بین ایران و انقلاب‌ها فاصله ایجاد کند، اما به محض تثبیت انقلاب‌ها و حاکمیت مردم بر جامعه خود، منافع مشترک، ائتلاف بین انقلاب اسلامی و انقلابیون مسلمان را ایجاد خواهد کرد؛ زیرا آنها برای به دست آوردن آزادی، استقلال



و حاکمیت اسلام از الگوی انقلاب اسلامی ایران درس خواهند گرفت. البته در شرایط کنونی رهبران حاکم بر مصر، تونس و لیبی با اندیشه‌ها و تجربیات قبلی سعی می‌کنند روابط با غرب را حفظ کنند و خود نیز حاکم باشند؛ در حالی که مطالبات جوانان چیز دیگری است که به مرور زمان در این کشورها به حکومت خواهند رسید. بدیهی است غرب از هیچ تلاشی برای مصادره انقلاب‌ها دریغ نخواهد ورزید و چون نمی‌تواند نقش مستقیم داشته باشد و اعتبار عربستان نیز کاهش پیدا کرده است، به ناچار از قطر و امارات و دلارهای نفتی آنان در حجم گسترده استفاده و به شدت علیه شیعه و ایران تبلیغ می‌کند.

تهدیدها علیه شیعه

- تقابل غرب با انقلاب اسلامی

طبیعت پویا و متحول نظام قدرت جهانی و توزیع فضایی و منطقه‌ای آن در جهان که عمدتاً تحت تأثیر تحول در علم و فناوری و سطح آگاهی ملت‌ها از سویی و تحول در نقش و کارکرد عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی از سوی دیگر است، باعث می‌شود که نظام جهانی و نظام‌های منطقه‌ای و روابط دولت‌ها و ملت‌ها با یکدیگر در حال تحول و دگرگونی باشد.

بنابراین قدرت انقلاب اسلامی در هموردی با نظام سلطه که شاخص اصلی قدرت جهانی و منطقه‌ای است از یک سو و ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی به عنوان هارتلند شیعه از سوی دیگر با جبهه مقاومت قابل اندازه‌گیری است. بررسی اهداف راهبردی، ابزارها و اقدامات طرفین در این هموردی و همچنین رخدادهای طبیعی جهانی و نتایج حاصل از سوی طرفین درگیر می‌تواند میزان تأثیر، تأثر و چشم‌انداز آینده را مشخص کند.

راهبرد آمریکا در منطقه

- توسعه و تثبیت قدرت تک‌قطبی و حفظ هژمونی خود بر جهان؛
- تسلط بر منابع و ذخایر انرژی در جهان؛
- حفظ امنیت رژیم صهیونیستی در منطقه؛
- مهار قدرت‌های مخالف.

راهبرد انقلاب اسلامی در منطقه

- حفظ استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی؛
- حمایت از مقاومت در راستای استکبارستیزی؛
- مبارزه با رژیم صهیونیستی و دفاع از حقوق ملت‌های مسلمان.

ابزارهای آمریکا

- استفاده از قدرت و ابزار سازمان ملل متحد، ناتو و هم‌پیمانی غرب و کشورهای سلطه‌پذیر منطقه؛
- استفاده از قدرت هژمونی خود در اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران؛
- حمایت از جبهه منطقه‌ای ضد ایران و ضد شیعه در خاورمیانه؛
- حضور در کشورهای منطقه شامل عراق، افغانستان، کشورهای خلیج فارس و آب‌های دریای عمان به عنوان تهدید علیه جمهوری اسلامی ایران؛
- استفاده از فشارهای بین‌المللی علیه پیشرفت فناوری هسته‌ای ایران؛
- حمایت از مخالفان ایران و بهره‌گیری از رسانه‌های جهان برای اعمال عملیات روانی ضد جمهوری اسلامی ایران و مقاومت.

ابزارهای انقلاب اسلامی

- اتکا به امنیت و اقتصاد داخلی و بهره‌گیری از حمایت‌های مردمی و توان بومی؛
- بهره‌گیری از توان مقاومت برای استمرار مبارزات استکبارستیزی؛
- هم‌پیمانی با کشورهای عراق، سوریه و لبنان؛
- همسویی بیداری اسلامی با اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی؛
- تسلط بر تنگه هرمز با استفاده از موقعیت گذرگاهی؛
- بهره‌گیری از مزیت‌های ژئوپلیتیکی شیعه به عنوان امتداد هارتلند شیعه در منطقه.

تغییرات طبیعی در جهان

- فروپاشی نظام دوقطبی، شکست راهبردهای آمریکا در نظم نوین جهانی، طرح خاورمیانه بزرگ، خاورمیانه جدید، راهبرد جنگ پیشگیرانه و اشغال کشورها؛
- رقابت نزدیک ایران-آمریکا در بحران کشورهای بوسنی، لبنان، سوریه، عراق، افغانستان،



فلسطین و ...؛

- رشد و توسعه القاعده به عنوان تیغ دولبه برای آمریکا و وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر؛

- آغاز بحران اقتصادی غرب و آمریکا؛

- آغاز بیداری اسلامی در جهان اسلام؛

- پیشرفت‌های اقتصادی و فناوری ایران به‌رغم تحریم‌های سه دهه گذشته؛

- تمایل به بازگشت به قدرت از سوی رقبای غرب همچون روسیه و چین به صحنه تقابل با آمریکا.

با توجه به راهبرد، ابزارها و رخداد‌های مهم جهان می‌توان نتیجه گرفت:

- آمریکا نه تنها در دفاع از رژیم صهیونیستی ناموفق بوده بلکه توان جلوگیری از شکست این رژیم در جنگ ۳۳ روزه لبنان و ۲۲ روزه غزه را نداشته است.

- اشغال عراق و افغانستان نه تنها دستاوردی نداشت، بلکه آمریکا و غرب را به باتلاق خود فرو برد و در این فرصت جمهوری اسلامی ایران توانست پیشرفت‌های دفاعی و فناوری خود را به نتیجه برساند. در نهایت آمریکا بدون نتیجه مجبور شد از عراق و افغانستان خارج شود.

- اشغال عراق و افغانستان توسط غرب نه تنها نتوانست القاعده را از میان بردارد، بلکه به بازسازی توان مقابله آنها انجامید و غرب را مجبور به پذیرش تلفات سنگین کرد.

- آمریکا در هم‌پیمانی با قدرت‌های غربی و جهانی برای اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه ایران توانست هم‌پیمانان خود را با خود همراه سازد و به ایران فشار بیاورد که مبارزه در این صحنه ادامه دارد.

- در بحث ممانعت از توسعه و بهره‌گیری ایران از فناوری هسته‌ای گرچه نتوانسته است مانع پیشرفت ایران شود، ولی چالش مهمی برای ایران ایجاد کرده است که مبارزه آن نیز ادامه دارد. در ایجاد جبهه ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی موفق شده است قدرت‌های عربی منطقه را بیش از گذشته با خود همراه کند.

چگونگی تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی شیعه بر توسعه نفوذ انقلاب اسلامی

با توجه به کنش و واکنش بین مؤلفه‌ها و متغیرهای ارائه‌شده می‌توان نتیجه گرفت که انقلاب اسلامی ایران از ابزارهای کارآمد و گسترده‌ای در ابعاد مفهومی، جغرافیایی و ژئوپلیتیکی برخوردار است که کمتر بازیگری در منطقه با این توانمندی‌ها دیده می‌شود. بر این اساس مؤلفه‌های مؤثر در توسعه نفوذ انقلاب اسلامی عبارت‌اند از: جبهه مقاومت،

ژئوپلیتیک شیعه، جمهوری اسلامی ایران، و ظرفیت‌های شیعه؛ بنابراین جبهه مقاومت موجب تولید قدرت بازدارندگی و آفند راهبردی و توسعه نفوذ انقلاب اسلامی است و ژئوپلیتیک شیعه موجب تولید منابع قدرت ساختاری است و جمهوری اسلامی ایران بستر تحقق اهداف انقلاب اسلامی و ارائه‌دهنده الگوی حکومتی موفق است و ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی شیعه مولد گفتمان معنویت، عدالت، امید و جهاد و شهادت است. در نتیجه شاخصه‌های توسعه و نفوذ و دستاوردهای انقلاب اسلامی عبارت‌اند از:

گفتمان عدالت: عدالت‌خواهی در عقاید شیعه ریشه دارد و در تاریخ نیز تجربه شده است و گفتمان سلطه‌ستیزی در قالب حکومت اسلامی و مردم‌سالاری دینی چالش ۳۶ ساله با استکبار جهانی را با موفقیت پشت سر گذاشته و جبهه مقاومت را تشکیل داده و بزرگ‌ترین قدرت‌ها و تهدیدها علیه جهان اسلام مانند رژیم اشغالگر قدس و آمریکا را نیز قدرتمندانه به چالش کشیده است.

گفتمان معنویت: انسان‌دوستی و صلح‌طلبی و خیرخواهی شیعه بر اساس آموزه‌های دینی دارای کاربرد جهانی است که می‌تواند به بشر امروزی که در حال سقوط از ارزش‌های انسانی است کمک کند.

گفتمان وحدت: در تلاش برای ایجاد وحدت امت اسلامی که در صورت تحقق می‌تواند عزت و تمدن اسلامی را احیا و غرب را با مشکل راهبردی مواجه کند.

گفتمان عقلانیت: حمایت‌های انقلاب اسلامی ایران از مقاومت، بیداری اسلامی و ملت‌های آزاده مبتنی بر منافع آنها به منظور تحقق آزادی و استقلال همه‌جانبه آنها در ائتلاف با انقلاب اسلامی در جهت منافع متقابل قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

ظرفیت‌های شیعه مفاهیم و آموزه‌هایی نظری هستند که با استفاده از ابزارهای ژئوپلیتیکی شیعه می‌توانند در بستر حکومت اسلامی موجب توسعه و نفوذ انقلاب اسلامی در قالب گفتمان‌های عقلانیت، معنویت، عدالت، وحدت و گفتمان مقاومت و سلطه‌ستیزی شوند. بر این اساس تفاوت جدی میان مکتب شیعه و مذهب شیعه پدیدار می‌شود؛ زیرا آنهایی که معتقد به مکتب شیعه هستند، در جبهه سلطه‌ستیزان جایگاه دارند، در حالی که مذهب شیعه شامل اعتقادات فردی است که از دین بهره می‌برد. بنابراین برای توسعه نفوذ انقلاب اسلامی باید مفاهیم و ارزش‌های مکتب جهادی شیعه را در قالب الگوی حکومتی در میان ملت‌های آزاده، خارج از جنگ روانی دشمن در ارتباط با شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی، در



محیط بیرون مطرح کرد و الگوهای خود را در اختیار علاقه‌مندان قرار داد. بر این اساس به نظر می‌رسد مدل حاضر بر اثر کنش متقابل بین متغیرهای اشاره‌شده در متن می‌تواند در پاسخ به سؤال تحقیق مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین آموزه‌های شیعی در قالب ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی شیعه قدرت و توان فوق‌العاده‌ای در شیعه ایجاد می‌کند که با تکیه بر قدرت الهی و ابزارهای ژئوپلیتیک شیعه اعم از انرژی، موقعیت گذرگاهی و نقطه تماس با مرزهای رژیم صهیونیستی در بستر حکومت اسلامی که از اقتدار و توانمندی لازم در حوزه قدرت ملی، حمایت از مقاومت و الگوی گفتمان سیاسی در قالب حکومت مردم‌سالاری دینی برخوردار است، استفاده کند. انقلاب اسلامی می‌تواند با شرایط جهانی که امروزه در آن واقع شده از جمله ضعف آمریکا و رژیم صهیونیستی، آغاز بیداری اسلامی و بحران اقتصادی غرب به مراتب بیشتر از گذشته در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی ایفای نقش کند. اگرچه جبهه استکبار به تلاش‌های خود علیه اقتدار انقلاب اسلامی ادامه خواهد داد، ولی رخدادهای جهانی به ویژه بقای سوریه، پیروزی مردم عراق و افغانستان در انتخابات و... بیانگر ضعف جبهه غربی و هژمون آمریکا و در نتیجه تضعیف رژیم صهیونیستی است. آنچه اکنون می‌تواند سرعت تحولات ضد سلطه را تقویت کند به صحنه آمدن کشورهایی است که شاهد بیداری اسلامی هستند. بر این اساس غرب و حامیانش با دو چالش اساسی نبرد با انقلاب اسلامی و ممانعت از گسترش مقاومت و بیداری اسلامی مواجه هستند که هر سه جریان در راستای سلطه‌ستیزی حرکت رو به جلو و توسعه را پیش رو دارند.

منابع فارسی

- امرائی، حمزه (۱۳۸۲)، انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- احمدی، سید عباس (۱۳۹۰)، ایران، انقلاب اسلامی و ژئوپلیتیک شیعه، تهران: اندیشه‌سازان نور.
- الگار، حامد (۱۳۶۰)، چهار گفتار درباره انقلاب اسلامی ایران، ترجمه مرتضی اسعدی و حسن چیدری، تهران: نشر قلم.
- بابایی، محمد (۱۳۸۸)، هویت مشترک شیعی و روابط ایران و لبنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، انقلاب و بسیج سیاسی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- تالشان، حسن (۱۳۸۹)، «دورنمای ژئوپلیتیک شیعه در عراق»، فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی، ش ۳۱، قم، پاییز.
- حسینیان، روح‌الله (۱۳۸۰)، «تاریخ سیاسی تشیع تا تشکیل حوزه علمیه»، مقدمه‌ای بر تاریخ



- انقلاب اسلامی، تهران: نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- جک لی، پلینو و روی التون (۱۳۷۵)، فرهنگ روابط بین‌الملل، ترجمه حسن پستا، تهران: فرهنگ معاصر.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، تهران: نشر آستان قدس رضوی.
- حافظ نیا، محمدرضا و سید هادی زرقانی (۱۳۸۶)، «جایگاه ایران در نظام ژئوپلیتیک جهانی و منطقه‌ای»، فصلنامه راهبرد دفاعی، س ۵، ش ۱۸، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- حقیقی، شاهرخ (۱۳۸۳)، گذار از مدرنیته، تهران: انتشارات آگه.
- خانی، محمدحسن (۱۳۸۹)، انقلاب اسلامی ایران و نظام بین‌الملل، گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی، تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع).
- درخشه، جلال (۱۳۸۹)، گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی ایران، نشر دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ۱۳۸۹.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۷)، چارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد.
- دوئرتی جیمز، و رابرت فالتزگراف (۱۳۷۲)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه طیب و وحید بزرگی، ج ۱، تهران: قومس.
- زرگر، افشین (۱۳۸۶)، «مدل‌های دولت-ملت‌سازی؛ از مدل اروپایی تا مدل اوراسیایی»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، س ۴.
- زین‌العابدین، یوسف (۱۳۸۶)، «منافع ملی ایران و ژئوپلیتیک نوین شیعه»، فصلنامه تخصصی شیعه‌شناسی، س ۵، ش ۱۹، پاییز.
- شفیع فر، محمدرضا (۱۳۷۸)، درآمدی بر مبانی فکری انقلاب اسلامی، قم: نهاد نمایندگی در دانشگاه‌ها.
- عزتی، ابوالفضل (۱۳۸۱)، اسلام انقلابی و انقلاب اسلامی، تهران: نشر هدی.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۷۲)، ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات سمت.
- فوکو، میشل (۱۳۷۶)، سوژه و قدرت، فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- کرامر، مارتین (۱۹۸۴)، «مجموعه مقالات اجلاس بین‌المللی دانشگاه تل‌آویو» تشیع، مقاومت و انقلاب.
- گراهام، ایوانز و جفری نونام (۱۳۸۱)، فرهنگ روابط بین‌الملل، مترجمان مشیرزاده و شریفی، تهران: نشر میزان.
- مایل افشار، فرحناز (۱۳۸۳)، «ژئوپلیتیک شیعه»، نشریه سیاست روز، ۵ خرداد.

- مسجد جامعی، محمد (۱۳۸۴)، زمینه‌های تفکر سیاسی در اسلام در قلمرو تشیع و تسنن، تهران.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، پیرامون انقلاب اسلامی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات صدرا.
- نامدار، مظفر (۱۳۷۶)، رهیافتی بر مبانی مکتب‌ها و جنبش‌های سیاسی شیعه، تهران: نشر پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- متقی زاده، زینب (۱۳۸۴)، جغرافیای سیاسی منطقه خلیج فارس، قم: نشر مؤسسه شیعه‌شناسی.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، ایده‌های ایرانی و دگرگونی‌های ژئوپلیتیک، نشر نی.
- محمد پور، علی (۱۳۸۵)، «ژئوپلیتیک شیعه در خاورمیانه پس از حمله آمریکا به عراق»، مجموعه مقالات، تهران: انجمن ژئوپلیتیک ایران.
- میرحیدر، دره (۱۳۷۷)، «ژئوپلیتیک؛ ارائه تعریفی جدید»، فصلنامه تحقیقاتی جغرافیایی، س ۱۳، ش ۴، مشهد.
- نای، جوزف (۱۳۹۰)، آینده قدرت، ترجمه رضا مراد صحرایی، تهران: انتشارات حروفیه.
- نای، جوزف، آینده قدرت، ترجمه رضا مراد صحرایی، انتشارات حروفیه، تهران، ۱۳۹۰

منابع لاتین

- Bromley, Simon (1970), Connecting Central Eurasia to the Middle East .Pakistan and Afghanistan 2007 in American Foreign Policy Towards
- Derian ,J .Der and M.Shapiro, eds ,*International/Interextual Relations*, Lexington: Lexington Books.
- Digeser, Peter, “The Forth Face of Power ,“ *Journal of Politics*, Vol,54, No.41949.
- Hazbun, Waleed(2010), “US Policy and the Geopolitics of Insecurity ,in the Arab World” , *Geopolitic*,15, No. 2 .*Policy Foreign* ,” Word Arab the in Revolution”
- .www//:http ,Israel ,University Dayan at Speech” ,(1999) Bernard ,lewis - lewis/mel/dayancenter/il,ac.tau
- Michel Foucault ,Michel ,(1974) *The Archaeology of Knowledge*, Trans A.A. Sheridan-smith, London: Tavistock.
- Ted hopf ,Ted” , (1998) The Promise of Constructivism in International Relations Theory ,“*International Security*, Vol. 23,No.1.



-Black, Ian (2007),” Fear of a Shia Full Moon, Events Are Proving Across ‘Crescent that the King of Jordan Was Right to Warn of a ‘Shia ,“Undiplomatic Tad a Was Phrase the though even - East Middle the .January *Newspaper*, Friday,26 *Guardian*
Hounshell –blake(2011), “Revolution in the Arab Word ,“ *Foreign Poli-*
- .cy

a Islamic an Uprising Calls leader Supreme s‘Iran” ,(2011) Meris ,lutz
- .*Times*, Feb.04 *losangles* ,“Wakening

.-Spindle, Bile, “The New Cold War”, *Wall Street Journal*, April,16

